



بررسی جایگاه شغل معلمی در کشور در گفت‌وگو با مشاور عالی پیشین وزیر آموزش و پرورش

معلمی و نظام تعلیمی را آقایان کوچک شمرده‌اند!

آموزش و پرورش جدی شمرده نمی‌شود، بنابراین بی‌ثباتی مدیریتی دارد. شما در «وزارت نفت»، «وزارت اطلاعات» و «وزارت امور خارجه» بی‌ثباتی مدیریتی را مشاهده نمی‌کنید چرا که دولت‌ها در هشت سال فعالیت‌شان، یک وزیر داشتند اما در وزارت آموزش و پرورش، هر شش ماه تا دو سال یک بار مدیریت تغییر می‌کند و این بی‌ثباتی به «آموزش» در کشور آسیب زده است.

تغییر «مافیای آموزشی» را قبول دارید؟
بله، گروهی هستند که متأسفانه از «آموزش» و نیاز خانواده‌ها به آموزش سوءاستفاده می‌کنند و به آن به عنوان یک «صنعت» می‌نگرند. حال چه آنهایی که در بخش کنکور فعال هستند و چه آنهایی که در آموزشگاه‌های مختلف برای درس تقویتی کار می‌کنند، حتی برخی از مدارس غیرانتفاعی نیز به «آموزش» نگاه تجاری دارند. من معتقدم بخش آموزش می‌تواند درآمدزای باشد اما رسالت دست‌اندر کاران آموزش پیش از آنکه به درآمدزایی بخواهد بپردازد، باید به رسالت آموزش و تربیتی خودش توجه کند. متأسفانه گروه مافیای آموزش وجود دارد و این را در بین کسانی که مخالف حذف کنکور بودند و فعالیت‌های مختلفی برای سوءاستفاده از آموزش و رسیدن به درآمدزایی انجام داده‌اند، مشاهده می‌کنیم.

در رسانه‌ها مطرح می‌شود که مدارس خاص متعلق به جناح‌های مختلف کشور است و به همین دلیل هم هیچ‌گاه کسی متعرض این مدارس نمی‌شود. چون هر دو طیف سیاسی از آن بر خور دارند. از طرف دیگر، این مدارس با امکانات ویژه بر بی‌عدالتی آموزشی دامن می‌زنند. چرا اراده‌ای برای تخصیص مناسب و عادلانه منابع آموزشی وجود ندارد؟

رسالت دولت و حکومت، تقویت آموزش با استفاده حداکثری از مشارکت مردم است. از آنجا که در بخش مدارس دولتی ضعف زیادی داریم، بنابراین این مدارس که به آن اشاره کردید، خیلی پر رنگ شده‌اند. تأمین منابع آنها که باید و شاید انجام نمی‌شود و به لحاظ کوچک‌انگاری ضعف‌های زیادی وجود دارد. در حالی که اگر سهم منابع آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور حداقل به اندازه میانگین جهانی باشد، این فعالیت‌ها رنگ خواهد داشت. در حال حاضر مدیران و معلمان بسیار دلسوز و علاقه‌مندی هستند که اگر منابع در اختیارشان قرار بگیرد، می‌توانند بهترین خدمات را در مناطق محروم و غیر محروم ارائه کنند.

آموزش و پرورش حاکمیتی را قبول دارید؟
بله آموزش و پرورش بر اساس همه اسناد و مدارک، امری حاکمیتی است، اما حاکمیتی به معنای تصدی‌گری صدرصدی نیست. در سیاست‌های کلی ابلاغ مقام معظم رهبری تحت عنوان سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی به امر آسیب‌پذیر بودن آموزش و پرورش اشاره و هم‌زمان به کاهش تصدی‌گری‌های غیر ضروری و افزایش مشارکت‌های مردمی هم تأکید شده است.

خصوصی‌سازی آموزش در مجموع به نفع نظام آموزشی و کشورمان است؟
نه، من این حرف را تأیید نمی‌کنم. به نظر من خصوصی‌سازی آموزش می‌تواند آسیب‌زا باشد، اما مشارکت‌پذیری مردم باید به صورت حداکثری اتفاق بیفتد. همانطور که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی‌سازی شامل آموزش و پرورش نشده است.
ممنون از وقتی که گذاشتید. روز معلم را به شما و همه معلمان دلسوز و متعهد کشورمان تبریک می‌گویم.
ممنون. خواهش می‌کنم. موفق باشید.

بوده‌ار تقای کیفیت آموزشی منجر شود. به نظر شما الان این گونه شده است؟

نه متأسفانه اینطور نیست. یکی از دلایل این است که طرح رتبه‌بندی معلمان به عنوان یکی از احکام صدوسی‌ویک‌گانه سند تحول بنیادین، به خوبی درک نشده است. در این طرح ما دو خرده‌نظام داریم که اینها لازم و ملزوم یکدیگر هستند؛ یکی نظام رتبه‌بندی معلمان یعنی همین چیزی که سر زبان‌ها افتاده و روی آن عملیات اجرا شده است، یکی هم نظام سنجش صلاحیت حرفه‌ای معلمان که این نظام مقدم بر رتبه‌بندی معلمان بوده است، یعنی باید بر اساس یک قانونمندی و ضوابط

می‌خوانند. به این توجه کنید که یک مدرسه تیزهوشان یا یک مدرسه عشایری خوب هم دولتی است که به کیفیت آموزش اهمیت داده است.

تقریباً ۹۰ درصد بودجه آموزش و پرورش خرج امور پرسنلی می‌شود. آموزش و پرورش هم حدود ۴۵ درصد کارمندان دولت را دارد و کوچک‌ترین تغییری در بحث حقوق کارکنان این وزارتخانه، بار مالی هنگفتی را به دولت تحمیل می‌کند. با چنین وضعیتی، چشم‌انداز آموزش و پرورش به خصوص در بحث ارتقای کیفیت آموزشی را چگونه می‌بینید؟

روز معلم رسیده است و مانند سال‌های گذشته اظهار نظرهای متعددی از سوی مسئولان برای رسیدگی به معلمان مطرح می‌شود. در این روزها همه توجه‌ها به سمت «معلم» و همچنین «ارتقای کیفیت آموزش» در کشور مانع معطل می‌شود. این در حالی است که شاهد نگاه سطحی مسئولان به آموزش و پرورش طی دولت‌ها و در تمامی ادوار بوده و هستیم که این مسئله، آسیب زیادی را به معلمان و به دنبال آن کیفیت آموزش کشور مان زده است. در حدیثی به نقل از امام سجاده (ع) آمده است: «حق سائیسک باعلم، التعظیم له و التوقیر لمجلیسه» یعنی «حق استناد تو این است که بزگرش داری و محضرش را محترم شماری»، اما متأسفانه شأن و منزلت معلمان کشور مان هر سال نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته است و در نتیجه شغل معلمی آن جایگاهی را که باید داشته باشد، ندارد. اما اینکه چرا این اتفاق افتاده است و علل آن به کجا برمی‌گردد، نیاز به بررسی و توجه دارد. به همین منظور «جوان» با مهدی نوید ادهم، مشاور عالی پیشین وزیر آموزش و پرورش گفت‌وگو کرده است. **تقریباً همه کارشناسان بر پایین بودن کیفیت آموزش در مدارس کشور مان اتفاق نظر دارند. فارغ از برخی استعدادهای شخصی دانش‌آموزان که باعث کسب مدال‌ها می‌در منطقه و جهان می‌شود، نتایج از مون‌های بین‌المللی هم این موضوع را تا حدودی تأیید می‌کند، شما علت این موضوع را چه می‌دانید؟**

کیفیت آموزش بستگی به چند عنصر دارد. مثل صلاحیت حرفه‌ای و توانمندی معلمان، محتوای برنامه درسی، شیوه‌های ارزشیابی، مدیریت نظام آموزش و فرهنگ سازمانی مدرسه که اینها از عواملی هستند که بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان و فرهنگ استعداد و توانمندی‌های آنها تأثیر زیادی دارد. اینکه به صورت مطلق بگویم بالاتر بودن آموزش پایین است را قبول ندارم. درست است که برخی مدارس از کیفیت پایین آموزشی برخوردارند و دانش‌آموزان از این موضوع آسیب دیده‌اند اما مدارس موفق و حتی مناطق موفقی هستند که کیفیت آموزشی بالایی دارند و معلماتی دلسوز، متعهد و شایسته در حال تدریس هستند. در مجموع باید بگویم که عنصر مهم و بسیار تعیین‌کننده در کیفیت آموزش، صلاحیت حرفه‌ای و شایستگی معلمان است که بی‌توجهی به آن، آموزش را دچار آسیب کرده است. اولین دلیل آن نیز ورود بدون هماهنگی تعدادی از معلمان به چرخه تعلیم و تربیت بوده است. قانونگذار مسیری را در سند تحول بنیادین مشخص کرده که معلمان از مجرای صلاحیت حرفه‌ای وارد گردونه تدریس شوند و برای این مجرای که تعریف کرده، دانشگاه فرهنگیان یا شهید رجایی مشخص شده است. اما از آنجا که با کمبود معلم مواجه شدیم، تعدادی از معلمان بر اساس مصوبات مجلس، این مسیر را طی نکردند و همین مسئله موجب شده است معلمان داشته باشیم که توانمندی و صلاحیت لازم را برای تدریس ندارند.

اینکه می‌گویید برخی مدارس از کیفیت آموزش دولتی هم می‌شود؟
بله. نباید مدارس استان تهران را مبنای قضاوت قرار دهید. در برخی از استان‌ها و شهرستان‌ها و در برخی مناطق، بسیاری از مدارس خوب و معلمان توانمندی وجود دارد که مسئولانه مشغول تعلیم و تربیت دانش‌آموزان هستند. بنابراین مدارس با کیفیت و خیلی خوبی وجود دارد که دولتی هم هستند، منتها می‌بینیم در تهران، مدارس خاص، معروف شده‌اند و بیشتر هم به چشم می‌آیند چرا که بیشتر مطرح و بیشتر تقویت شده‌اند. بر اساس آمار حداکثر ۱۵ درصد دانش‌آموزان در مدارس غیردولتی درس

حرف‌های معلمان



هادی سنگیان | معلم

انسان دو نوع معلم دارد: «آموزگار» و «روزگار». اولی به قیمت جانش و دومی به قیمت جانت. نقش معلمی در هر جامعه‌ای بالاترین نقش‌هاست، البته اگر به درستی به آن بها داده شود. متأسفانه در روزگار ما چند صباحی است که به این قشر از جامعه نگاه درستی نشده است و طبیعتاً در آینده‌ای نه چندان دور، روزگار به قیمت جان جامعه، درس خود را خواهد داد. «عشق با دانش متمم می‌شود، هر که عاشق شد معلم می‌شود». بهترین خاطرات دوران زندگی همه انسان‌ها، خاطرات دبستان و دبیرستان‌شان است و باز یگار نقش اول بهترین خاطرات‌شان نیز دبیرانی بوده‌اند که با عشق، سعی در انتقال بهترین‌ها برای‌شان داشته‌اند، پس باید قدر دان این عزیزان باشیم. از مسئولان می‌خواهیم نگاه زیباتری به جامعه فرهنگیان داشته باشند چرا که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».



محمدرضا نیک‌نژاد | معلم

معلمی شغل بزرگی است اما اگر بخواهیم در زمینه وضعیت امروز معلمان صادق باشیم، آنها در وضعیت خوبی قرار ندارند. قرار بود طرح رتبه‌بندی یک وضعیت ثابت و متعادل حقوقی و روانی برای معلم ایجاد کند اما این طرح با بی‌درایتی اجرا شد و در حال حاضر موجب نارضایتی بیش از ۷۰ درصد معلمان شده است. متأسفانه معلمان به دلیل مشکلات معیشتی ناچارند به شغل‌های دوم و سوم و بیابوردند که مد‌مست‌ترین آن رانندگی و سرویس مدارس است. خود این سبب می‌شود که نتوانند تمرکز لازم را برای تدریس داشته باشند و انگیزه آنها را کاهش داده است. اگر بخواهیم تغییری در آموزش و پرورش ایجاد کنیم، این تغییرات از معلمان ایجاد می‌شود، اما می‌بینیم که شرایط نامناسب معلمان هیچ تغییری نکرده و آنها خودشان را در جایگاهی که بخواهند تحول‌ساز باشند، نمی‌بینند و متأسفانه دولت‌مداران هم این نگاه را ندارند، و گر نه چنین شرطی را برای آنها ایجاد نمی‌کردند.



زین‌خان حبیبی | معلم

سال‌های نوجوانی، به تنها شغلی که فکر می‌کردم معلمی بود و با توجه به شرایط و رشته تحصیلی‌ام، می‌توانستم بسیاری از مشاغل پر درآمد را انتخاب کنم، اما معلمی تنها آینده‌ای بود که به آن فکر می‌کردم. با تمام این ناملیامات و ناپدید گرفته شدن‌ها، اگر ۱۰۰۰۰۰ دلار دیگر هم به گذشته برگردم، باز هم همین مسیر را خواهم آمد. فقط ممکن است برخی تغییرات در مسیر بدهم و تلاش کنم معلم بهتری باشم. معلمی می‌توانست بهترین حس ممکن برای یک نفر در کشور ما باشد اما به دلیل درگیر شدن معلمان با مشکلات عدیده این حس به نوعی جانش‌جندی برای ماندن و رفتن از شغل معلمی عده‌ای می‌شود. از یک سو حسن مفید بودن برای ایجاد تغییر مثبت در دانش‌آموزان، سراسر وجود آدمی را سرشار از شادی می‌کند و از سوی دیگر به دلیل رها شدن در برابر مشکلات پیش آمده، غمی سنگین را بر دوش خود حس خواهید کرد.

هوش مصنوعی یا طعم یک فنجان معلمی؟



نرگس ملک‌زاده کارشناس آموزش

معلمی جزو مشاغلی است که از کودکی با انسان رشد می‌کند، همانقدر که این شغل در سنین کم برای کودکان جذاب است و آنها نقش معلمی را بازی می‌کنند، همان قدر هم با تغییر دنیای کودکی و پررنگ شدن مسئله اقتصاد، علاقه‌مندان خود را از دست می‌دهد. کسانی که وارد حرفه معلمی می‌شوند یا علاقه‌مندی‌های‌شان از کودکی تا زمان انتخاب شغل، تکامل یافته یا به اجبار وارد فضای معلمی شده‌اند. اینکه کدام یک می‌تواند آینده شغلی بهتری را برای خود رقم بزند بستگی به شرایطی دارد که «فرد» یا «معلم» برای ادامه مسیرش ترسیم کرده است.



در سال‌های اخیر به دلیل نداشتن امنیت شغلی در بعضی از رشته‌ها، گریش به سمت دانشگاه‌هایی که خروجی آنها مختص آموزش و پرورش است، بیشتر از قبل شده و این تنها دلیلی است که می‌توان امیدوار بود نگرانی که به سمت و سوی معلمی می‌آیند، نگرانی هستند که به انتخاب و مصلحت خود معلمی را برگزیده‌اند، نه مانند سال‌های نه چندان دور که اگر تمام راه‌ها را بسته می‌دیدند، در معلمی را می‌کوبیدند.



آنچه معلمی را متفاوت‌تر از شغل‌های دیگر کرده است، ارتباط روزانه و عاطفی معلمان با دانش‌آموزان به عنوان ارباب رجوع‌های آموزشی است. کمتر پیش می‌آید صاحبان مشاغل با ارباب رجوع‌های خود ارتباطی به گسترده‌تری که ۹ ماه سال داشته باشند و در پس این آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده بودن ارتباط‌های عمیق عاطفی شکل بگیرد، این پیوستگی جریان آموزش سبب می‌شود تا بعد انسانی آموزش، مشتری خود را در این بازار تعاملی حفظ و تقویت کند.



بیل گیتس در سخنرانی اخیرش با موضوع یادگیری دیجیتال اعلام کرده است، اینکه هوش مصنوعی چگونه می‌تواند در آموزش مؤثر باشد، آنها را شگفت‌زده کرده است و این هوش ساخته بشر که صفت مصنوعی بودن را با خود به همراه دارد تا ۱۸ ماه دیگر می‌تواند به کودکان خود یاد دهد و عنوان دستیار معلم را به خود اختصاص دهد و او را کمک‌ی بزرگ برای تقویت ریاضیات در آینده می‌داند.



آیا هوش مصنوعی می‌تواند جایگزین جلوه‌های معلمی شود که اعتبار و هویت معلمی را یک سر و گردن از بقیه مشاغل بالاتر برده است؟ آیا هوش مصنوعی توان رقابت با معلمی را دارد که خارج از وظیفه معلمی و بدون توجه به زمان رسمی آموزشی و در نظر نگرفتن منفعت مالی برای یک پله جلوتر آمدن دانش‌آموزان خود تلاش می‌کند؟ یا روایات هوشمند می‌تواند نقش معلمان، همان کسانی که بر اساس یک نظر سنجی معتبر که بیش از سه چهارم پاسخ‌دهندگان ایجاد تغییر در زندگی دانش‌آموزان را ضایع‌بخش‌ترین جنبه معلم بودن می‌دانند، کم‌رنگ کند؟

هوش مصنوعی تا هر جای دنیا هم در آموزش که پیش برود همین که بای احساسش در مقام معلمی می‌لنگد، نشان از یک‌تاز بودن معلم در آموزش است. به‌پناه روز معلم و نکوداشت او ثبت خواهیم کرد که طعم یک فنجان معلمی را با کد نویسی و برنامه‌های مختلف نمی‌توانیم از دنیای آموزش حذف کنیم و معلم و معلمان‌ها جایگزین هیچ پردازاری که چشم را از چشم محروم می‌کند، نخواهد شد. معلم جان آموزش است و حذف معلم و جایگزین کردن هوش مصنوعی به عنوان معلمان جدید سوادآموزی، آموزش را به پیکری جانی تبدیل خواهد کرد که روح خود را از دست داده است.

مشخص شده، مبنای پنج سال یک بار، صلاحیت حرفه‌ای و توانمندی معلمان سنجیده می‌شود و اگر معلمی می‌توانست یک رتبه برتری کسب کند، آن وقت وارد چرخه نظام رتبه‌بندی و از امتیازات آن برخوردار شود، اما می‌بینیم که این طرح اولی اجرا نشده و طرح دومی هم ناقص اجرا شده است. در نتیجه این بی‌نظمی نظام رتبه‌بندی با نظامی مالی و به طریخی ضدخودش تبدیل شد. در صورتی که قرار بود طرح رتبه‌بندی معلمان، باعث ایجاد انگیزه و رقابت سالمی را بین معلمان شکل دهد، همچنین قرار بود موجب نشاط، شوق و یادگیری در معلمان شود اما به دلیل عدم عمل کردن این طرح، شاهد نارضایتی عمده معلمان هستیم.

به مدیریت و آموزش و پرورش اشاره کردید. بی‌ثباتی مدیریتی در آموزش و پرورش را چقدر در بروز دست‌به‌دست شدن مشکلات این وزارتخانه مؤثر می‌دانید؟
یکی از تجلیات کوچک‌انگاری که من آن را واضح می‌بینم، بی‌ثباتی مدیریتی بوده است، یعنی مدیریت وزارتخانه



پاسخ این سؤال مثل سؤال قبلی، تک‌عاملی نیست. اگر بناست مدارس و آموزش با کیفیت داشته باشیم، صرفاً با تزریق منابع انجام نخواهد شد. برای ارتقای کیفیت آموزش باید سند تحول بنیادین در همه ابعاد خود عملیاتی شود. اگر این سند در احکام صدوسی‌ویک‌گانه‌اش عملیاتی شود، آن وقت زیرنظام‌های شش‌گانه‌ای که در آن پیش‌بینی شده است، یعنی «راهبری و مدیریت تربیتی»، «برنامه درسی»، «تربیت معلم و تأمین منابع انسانی»، «تأمین و تخصیص منابع مالی»، «فضا، تجهیزات و فناوری» و «پژوهش و ارزشیابی» ساماندهی می‌شوند. و آن وقت به هدف خود که ارتقای کیفیت آموزش است، خواهد رسید. آموزش و پرورش باید چابک‌تر شود و تعداد نیروهای انسانی کاهش یابد. طبق آمار، در حال حاضر حدود ۳۵۰ هزاره آموزش و پرورش داریم، در صورتی که در سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و در سند تحول بنیادین به صراحت گفته شده است باید کوچک‌سازی و چابک‌سازی نظام اداری آموزش و پرورش اتفاق بیفتد چرا که وضعیت موجود هزینه‌ها را سنگین کرده است. علاوه بر اینها باید مشارکت‌های مردمی ساماندهی پیدا کند. مردم در ساخت‌وساز فضا، تحت عنوان «خبرین مدرسه‌ساز» وارد شده‌اند و خوشبختانه دستاوردهای خوبی در این زمینه قطعاً می‌توانند آموزش کشور را به سمت ارتقای کیفیت حرکت دهند.

حالا اگر همین «مردم» در بخش نرم‌افزاری، قانونمندی و نظام‌مند وارد شوند قطعاً می‌توانند آموزش کشور را به سمت ارتقای کیفیت حرکت دهند.

طرح رتبه‌بندی معلمان قرار